

محبت از نگاه قرآن

ژوژوشگاه علوم
پرتال جاب علوم اسلامی

◀ مدخل:

در این مقاله شما با عناوینی همچون آفرینش خلقت بر اساس محبت، شروع عالم وجود با محبت، ممکنات عالم وجود و نقش محبت، رمز رفاقت انسان با خدا، لوازم محبت، محبت علت تامه جلب لطف و ابرار محبت، روبرو خواهید شد که سعی شده است موضوعات فوق از نگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفته و به محضر خوانندگان عزیز تقدیم گردد.

● آفرینش مخلوقات بر اساس محبت

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: [الدین هو الحبّ والحبّ هو الدین] ^(۱) این روایت بسیار جای تفکر و اندیشیدن دارد. در روایت دیگر فرموده اند: [المرء مع من أحب] ^(۲) هر کسی با آن کسی

خواهد بود که او را دوست می‌دارد. خداوند (تبارک و تعالی) که مخلوقات خود را دوست دارد و به آنها علاقه‌مند است خلقت آنها را بر اساس محبت آغاز کرده.

در این عالم کسی که مورد احسان و لطف یک موجودی قرار می‌گیرد از آن رو به او لطف و احسان می‌کند که او را دوست می‌دارد. این چیزی است که در ذات آدمی وجود دارد و خدا داده است؛ محال است انسان کسی را دوست نداشته باشد و به او احسان کند. هر کسی محبوب شما بود، مورد لطف و احسان شما هم واقع خواهد شد. آفرینش خلقت هم بر اساس محبت است و محبت علت تامه احسان و لطف خدا بر مخلوقاتش می‌باشد.

● شروع عالم وجود با محبت

در عالم وجود همه موجودات مشغول کار و فعالیت هستند. از خدا گرفته تا ملائکه کروبیان و اولیاء الهی تا برسند به موجودات عالم پائین اما منشاء کار و کوشش همه مخلوقات «احتیاج» است. چون فقیرند، گرایش به کار دارند و در حقیقت؛ کوشش در هر کاری این است که نقایص وجودی خودشان را برطرف کنند؛ اما خداوند که بی نیاز مطلق است و کوچکترین احتیاجی به احدی از ممکنات در عوالم در ذات وجودی او؛ موجود نیست و او ذات غنی مطلق علی الاطلاق است؛ چرا او کار می‌کند؟ چرا او (کل یوم هوفی شاءن) است؟^(۳)

چون ذات باری تعالی غنی مطلق است و غنای مطلق او به این دلیل است که ذات او مستجمع جمیع کمالات است، باید واجد تمام صفات علیا و کمالات حسنی باشد و از هرگونه صفت نقصی و صفت غیر کمالی وجود او و ذات او مبری باشد. یکی از صفاتی که اگر در وجودی باشد موجب نقص و عیب و غنی است وجود «بُخْل» است و چون ذات باری تعالی بخل رازشست و قبیح می‌داند نتیجتاً باید درهای برکات از ذات او باز باشد و فیض از مبدء فیاض علی الاطلاق به عالم وجود سرازیر باشد؛ به همین دلیل برای اینکه این فیض جاری شود لازم است طبق حکمت بالغه الهی در عوالم مستفیضی هم وجود داشته باشد؛ اینجا بود که حضرت احدیت (فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ اَعْرِفَهُ) عوالم وجود را خلق کرد؛ که به ذرة ذرة اجزاء هستی مستفیض وجود داشته باشد و هر موجودی به اندازه ظرفیت وجودی که حضرت احدیت به او افاض کرده است؛ فیض را با واسطه‌ای که باز بر مبنای حکمت او آفریده شده است از مستفیض مطلق، خدای متعال که در عالی مرتبه عالم وجود فیض مطلق است می‌گیرند و فیض بخش می‌شوند به دلیل ظرفیتی که خدای متعال به آنها داده





است که (آتیکم الله ما لم یؤت احداً من العالمین)^(۱) آنها تبدیل شدند به مستفیض مطلق؛ مفیض یعنی فیض دهنده. مستفیض یعنی فیض گیرنده. بعد در مرتبه پائین تر همه (ما سوی الله) نسبت به حضرات ائمه (علیهم السلام) مستفیض هستند و آن بزرگواران در رتبه وجودی خودشان مفیض، بعد از این اراده حق که فرمود (احببت) دوست داشتم که خلق کنم، که بر اساس محبت خلقت انجام گرفت؛ اولین چیزی که از ذات باری تعالی در خلقت خلق شده وجود ممکنات است.

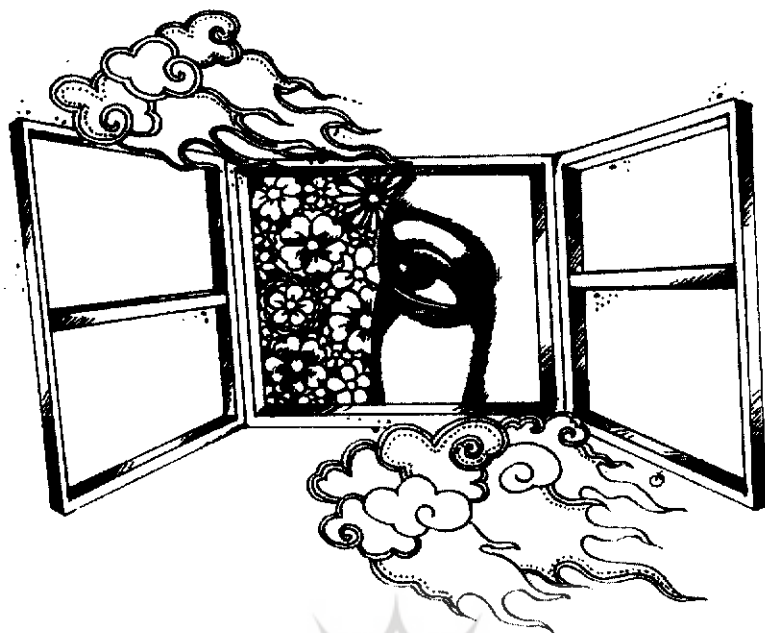
● رمز رفاقت انسان با خدا:

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد. محبت رمز رفاقت انسان با خدا است. آیا می توان رفاقت بین خدا و این انسان ها، بدون محبت برقرار شود؟ رفاقت بدون خمیر مایه محبت امکان ندارد وقتی بین دو باشد، هماهنگی باشد؛ به هم نزدیک می شوند؛ مایه اصلی این رفاقت «وَحَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقًا»^(۲) حب است اگر حُب نباشد رفاقت ادامه پیدا نمی کند؛ ضامن بقاء (دوستی و رفاقت) بین دو موجود (حُب) است خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا من یرتدمنکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم»^(۳) اگر کسی از دین برگشت خدا بزودی یک گروهی را می آورد که (و یحبهم)^(۴) را خدا دوستشان می دارد و (یحیونه)^(۵) چون خدا آنها را دوست می دارد آنها هم خدا را دوست دارند.

تا که از جانب معشوق نباشد کشتی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد البته محال است که کشتش نباشد و کسی عاشق بشود این یک قاعده برهانی است و اما چگونه این کشتش ایجاد می شود. قرآن می گوید: وقتی خدای متعال از کسی یا کسانی راضی باشد با آنها رفاقت برقرار می کند «وَمِنَ النَّبِیِّینَ وَالصَّادِقِیْنَ وَالشَّهَدَاءِ وَالصَّالِحِیْنَ وَحَسَنَ أَوْلَئِكَ رَفِیقًا»^(۶) در قرآن آمده (وَمَنْ یُطِيعِ اللَّهَ الرَّسُولَ)^(۷) کسانی که اطاعت می کنند از خدای متعال و رسول اکرم و «فأولئک مع الذین انعم الله علیهم» که در رأس آنها حضرات اهل بیت عصمت و طهارت هستند اینها طرف رفاقت خدا و رسول قرار دارند.

● لوازم محبت :

قرآن کریم لوازم محبت را بسیار زیبا مطرح نموده است.
 «أذله علی المؤمنین اعزّه علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومه لائم»^(۸)
 ۱- (اذله علی المؤمنین)^(۹) مؤمنین در مقابل یکدیگر متواضع و افتاده اند آنها که با هم محبتند این



گونه هستند

۲- «اعزه الکافرین»^(۱۳) مؤمنین در برابر کفار محبوب آنها را قبول ندارند و از او فاصله گرفته اند با حالت عزت می ایستند.

۳- «یجاهدون فی سبیل الله»^(۱۴) کسی که تمام وجودش و هستی اش را مثل سید الشهداء در راه خدا بدهد به تفسیر محبت پرداخته و عاشورای حسینی تماشا تفسیر حُب و محبت است. اگر حب آمد کوشش هم خواهد آمد.

۴- «ولا یخافون لومه لائم»^(۱۵) کسی که محبوبش را دوست دارد توجهی به گفته های دیگران ندارد هر که هر چه می خواهد بگوید کسی که طعم شیرین انس با محبوب را چشیده از هر ملامت کننده ای با کی ندارد. او می گوید این انس و این محبت فضل خداست «ذَلِكْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»^(۱۶)

خداوند واسع است «وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^(۱۷) خدای متعال درهای برکات را با واسع بودن خودش باز کرده است و بعد با علمی که در هر موجودی از جمال خودش قرار داده است، حب خودش را به هر موجودی بخشیده است. مقام محبت جزء والاترین مقامات است که «ذَلِكْ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»^(۱۸) اگر سؤال شود مؤمنین با چه عاملی به رضوان می رسند؟ قرآن می گوید به واسطه «وَيَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^(۱۹) عنصر محرکه «یجاهدون فی سبیل الله» همان حب است که اگر نباشد نه کسی تحمل ملامت ملامت کنندگان را دارد و نه کسی تحمل سختی جهاد در راه خدا را دارد.

● محبت علت تامه جلب لطف:

محبت علت تامه لطف است، علت تامه استحقاق است در قرآن کریم آمده است که اولیاء و دوستان خدا «لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^(۳۱) چون دوست خدا هستند مگر می شود دوست خدا بترسد. مگر خدای می گذارد بنده اش تنها باشد. در حریم دوستی خدا، ترس راهی ندارد، وحشت راه ندارد همه انس است، همه شیرینی و لطافت است چون خدا همه وجودش لطف است اولیاء خدا کسانی هستند که قرآن می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»^(۳۲)

آن‌ها اهل ایمان و خدا ترسی هستند. آن‌ها را از خدا پیوسته بشارت است هم در دنیا و هم در آخرت به نعمت های بهشت و هیچ تغییر و تبدیلی در سخنان خدا نیست و این فیروزی بزرگ نصیب دوستان خداست.

لازمه دوستی؛ لطف و احسان است احسان علت تامه اش محبت است کسی که دوست خداست شاداب است؛ چون متصل به مبداء تولید همه شادایی ها شده است.

لازمه دشمنی هم «وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ»^(۳۳) است دشمنی علت تامه ورود به آتش است علت تامه عذاب است. علت تامه عذاب و قهر است. در قرآن آمده است «ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخَالِدِ»^(۳۴) پس اگر گفتند «الدين هو الحب»^(۳۵) معلوم می شود حب علت تامه لطف است و بشارت بهشت جاودانه.

پس غرض از خلقت موجودات، ابراز دوستی حق است و لطف حق و رسالت و کار ما در این هستی بدایت است. چون بدایت با محبت شروع شده و نهایت ما را به محبت می رساند.

در دعای کمیل می خوانیم «اتراک مُعَذَّبِي بِنَارِكِ»^(۳۶) خدایا مرا عذاب می دهی در جهنم (بعد توحیدک) بعد از اینکه من تو را به عنوان خدای واحد قبول کردم «واعتقد ضمیری من حَبِک»^(۳۷) خدایا تو که می دانی باطن من مملو از عشق و محبت تو است. آیا ممکن است کسی که وجودش مملو از حب تو است او را عذاب بدهی؟ محال است این هم در مناجات شعبانیه علی (ع) آمده است که فرمودند: «اللّٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتَ اَهْلَهَا اِنِّي اَحِبُّکَ»^(۳۸) این ناز و کرشمه محب برای معبودش می باشد.

● ثمره:

هر کسی مُحب شد شعور و قوای ادراکی او فوق العاده حساس و تیز خواهد شد. محبت بزرگترین و مهمترین عامل برای تولید هوشیاری و بیداری است. تا کسی با قرآن ماء نوس نشود و مُحب قرآن نشود نمی تواند اسرار قرآنی را درک کند. چون این قرآن بر قلب حبیب آمده است. انسان تا محب نشود راه به معارف قرآنی پیدا نخواهد کرد. محب است که کنایات، اشارات، لطایف و حقایق را می فهمد و درک می کند. و می فهمد (یس)^(۳۹) یعنی چه؟ (طه)^(۴۰) یعنی چه؟ و این محبت به کلام وحی؛ دستگیری و شفاعت او در دنیا و آخرت را به همراه دارد.

پی نوشت ها:

● البته همواره این چنین نیست، برخی احسان می کنند تا به آنها احسان شود و برای کسب منافع بیشتر یا دفع ظلم محتمل و از این قبیل امور، احسان می کنند.

۱. میزان الحکمه - باب حب

۲. همان

۳. سوره الرحمن آیه ۲۹ - جزء ۲۷ قرآن کریم

۴. سوره مائده آیه ۲۰ جزء ششم قرآن کریم

۵. سوره نساء آیه ۶۹ جزء پنجم قرآن کریم

۶. سوره مائده آیه ۵۴ جزء ششم قرآن کریم،

۷. همان

۸. همان

۹. سوره نساء آیه ۶۹

۱۰. همان

۱۱. سوره مائده آیه ۵۴

۱۲. همان

۱۳. همان

۱۴. همان

۱۵. همان

۱۶. همان

۱۷. همان

۱۸. همان

۱۹. همان

۲۰. سوره یونس آیه ۶۲

۲۱. سوره یونس (ع) آیات ۶۳ و ۶۴ جزء ۱۱ قرآن کریم

۲۲. سوره فصلت آیه ۱۹

۲۳. سوره فصلت آیه ۲۸ جزء ۲۴ قرآن کریم

۲۴. میزان الحکمه باب حب

۲۵. دعای کامل - مفاتیح الجنان

۲۶. دعای کامل - مفاتیح الجنان

۲۷. مناجات شعبانیه - مفاتیح الجنان

۲۸. نام سوره مکی در جزء بیست دو

۲۹. نام سوره مکی در جزء شانزدهم



روزگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال جامع علوم انسانی

